

# سخنان هدایتگر

(آیات و احادیث و... که باعث هدایت شد)

تألیف:

ابو خالد الرفیعی

عنوان کتاب:

سخنان هدایتگر

نویسنده:

ابوخالد الرفیعی

موضوع:

بررسی عقاید مذهبی شیعه (آیات و احادیث... که باعث هدایت شد)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به راهنماییم در زندگی؛ کمک حالم در آشفتگی  
هم دم و همسر مهربانم  
«ام خالد رفیعی»



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- ۳ ..... مقدمه
- ۵ ..... قلب مشرکان
- ۶..... شرک یهودی، نصاری و رافضه
- ۷..... شباهت شیعیان با یهودیان
- ۹..... شباهت شیعیان با مسیحیان
- ۱۰ ..... توّسل شرک است
- ۱۳..... مردگان نمی شنوند
- ۱۵..... آیا شهیدان زنده اند؟
- ۱۷ ..... رفتار اهل بیت با روافض چگونه است؟
- ۱۸..... اصحاب رسول الله ﷺ
- ۲۰..... افسانه‌ی مظلومیت فاطمه علیها السلام
- ۲۳..... امهات المومنین رضی الله عنهن
- ۲۷ ..... تاریخ فرقه‌ی رافضه و بعضی عقایدشان
- ۳۱ ..... کلام آخر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم، اما بعد:

قصد آن را کرده بودم که شرح حالی از خودم و چگونگی هدایتم را به صورت کتابی در آورم اما به دلایلی نتوانستم، پس تصمیم گرفتم نکاتی که باعث هدایت این بنده‌ی حقیر گشته را جمع‌آوری کرده و خدمت آن دسته از کسانی که دنبال حق و حقیقتند عرضه دارم. و باید دانست که هدایت دست خداوند متعال است:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [القصص: ۵۶].

«به‌طور قطع تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری، هدایت کنی؛ ولی الله هر که را بخواهد، هدایت می‌کند. و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.»

و پذیرفتن آن دست بنده است، چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ [الإنسان: ۳]. «ما، راه را به او نشان دادیم؛ خواه سپاس‌گزار باشد و خواه ناسپاس» که خداوند ابنای آدم را در پذیرفتن هدایت مختار گذاشته است.

بنده‌ی حقیر خداوند یکتا احمد بن الحسین (ابو خالد الرفیعی) در یک خانواده‌ی شیعه‌ی نسبتاً مذهبی به دنیا آمدم. اوایل زندگی خود را صرف خرافات و شیعه‌گری کردم. مداحی بودم که جماعتی را در شرکم به خدای عَلَّیْهِ شریک می‌کردم، و اکنون امید دارم خداوند بنده‌ی حقیر را ببخشد. خداوند تبارک و تعالی مرا کمک کرد و توانستم با مطالعه و رجوع به سخنانش در قرآن، حق را بیابم و بفهمم مذهب تشیع از بیخ و بن مذهبی ضاله و خود ساخته‌ی عده‌ای است که مخالف قرآن، سنت و پیامبر اکرم ﷺ بوده‌اند و بدون حکومت صفویه هیچ نبوده است که متأسفانه به زور این مذهب خرافی که پر از بدعت است را بر اجداد شوریده حال ایرانیان کنونی را تحمیل کرده‌اند.

در همین احوال بودم و قصد اسلام آوردن داشتم که خداوند تبارک و تعالی کمک نمود و من با بالا بردن مطالعه علی‌الخصوص خواندن قرآن توانستم حقیقت را دریابم. ناگفته نماند باید از کسانی که باعث هدایتم شدند و مرا قبل و بعد هدایت کمک نمودند علی‌الخصوص همسر مهربانم ام خالد الرفیعی تشکر کنم. با کمک و راهنمایی الله تعالی اسلام آوردم؛ اسلام حقیقی که همان اسلامی است که جبرئیل بر دل رسول الله ﷺ نشانیده بود و او بر مردم ابلاغ کرد؛ اسلامی که مؤمنین را به پرستش خداوند یکتا فرا می‌خواند و از پرستش غیر او نهی می‌کند. این کتاب نشانه‌ها و سخنانی است که باعث هدایتم گشت و مرا آگاه ساخت. ان شاء الله توشه‌ای باشد برای آخرتم.

ولا حول ولا قوة إلا بالله

خادم کتاب الله

ابو خالد الرفیعی

آذر ماه سال ۱۳۸۹



## قلب مشرکان

اگر در مساجد یا حسینیه‌های شیعیان بروید یا با اسامی غیر اسامی الله تعالی روبه رو می‌شوید (مانند یا حسین و یا زهرا و ...) یا اسم مبارک الله تعالی را همراه با اسامی ائمه‌ی شیعیان می‌بینید که گاهی یا بصورت حکاکی روی سقف یا دیوار مساجد و یا روی پارچه ای نوشته شده است.

سالروز شهادت امامشان را عزا می‌گیرند و امامشان را می‌خوانند و به طور مکرر یا حسین و یا علی و یا عباس می‌گویند و در آخر دست به دعا می‌گیرند و ده مرتبه یا الله می‌گویند تا بگویند ما خدا پرست و موحدیم!! بعدا می‌گویند: «اللهم عجل لولیک الفرج: خدا یا! گشایش ولی خود (مهدی مزعوم) را سرعت بخش» و بعضا سه مرتبه آن را تکرار می‌کنند. و خود را مسلمان، موحد، یکتا پرست و شیعه‌ی علی بن ابی طالب ﷺ می‌دانند. و چه راست گفت الله تعالی که:

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الزمر: ۴۵].

**ترجمه:** «و هنگامی که الله به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، نسبت به توحید می‌گیرد و متنفر می‌شود و چون بادی از معبودان دیگر به میان می‌آید، ناگهان شادمان می‌گردند.»

و این براستی شرح حال من قبل از هدایت است. گاهی حتی از سر شرک زیاد حاضر بودم الله تعالی را یاد نکنم ولی غیر او را ذکر فراوان می‌کردم و خداوند مرا مورد رحمت خویش قرار دهد.

به مساجد شیعیان که می‌روید غیر ممکن است در یک ربع به غیر اسم الله تعالی اسمی دیگری نبرند بلکه فقط شرک می‌ورزند و نام این و آن را به اسم اینکه ائمه‌ی شان هستند می‌برند و بسیار از این بابت خرسند هستند. ماه محرم را بعضا افضل از ماه رمضان می‌دانند؛ زیرا این ماه را فقط به ذکر حسین علیه السلام مشغولند، و در ماه رمضان کمی از الله تعالی یاد می‌شود. عید فطر و عید قربان را عید نمی‌دانند و چنان شادی نمی‌کنند که در روز غدیر خم یا نیمه شعبان بخاطر ذکر غیر خداوند شادی می‌کنند. تمامی سالروزهای ولادت و شهادت ائمه‌ی شان را جشن یا عزا می‌گیرند، و در مساجد و هیئت‌هایشان به ذکر غیر خدا می‌پردازند و در آخر گاهی یادی از الله تعالی می‌کنند و ظهور مهدیشان را خواستارند .... خداوند راهنمایی‌شان کند.

### شرک یهودی، نصاری و رافضه

مسیحیان و یهودیان و روافض (شیعیان) هر کدام به گونه‌ای شرک می‌ورزند و همه‌شان ادعای برحق بودن دارند.

مسیحیان عیسی علیه السلام را «نعوذ بالله» پسر خداوند می‌دانند و نجات دهنده‌ی بشر. و یهودیان نیز به گونه‌ای شرک می‌ورزند و خداوند را کوچک می‌شمارند و برای ائمه‌ی شان مقبره ساخته و آنها را می‌پرستند. و اگر از آنها بپرسی می‌گویند خدا پرستیم.

مسیحیان مجسمه‌ی مریم علیها السلام را مقدس می‌دانند و آن را تعظیم و تکریم می‌کنند. و صلیب را نیز مقدس می‌نامند و لحظه‌ای تفکر نمی‌کنند

که این ساخته‌ی دست خود آنهاست.

و رافضی ائمه‌اش را در حد خداوند بالا می‌برد و از آنها کمک می‌خواهد و به آنها متوسل می‌شود و برای قبر ائمه‌اش مقبره می‌سازد، ضریح می‌سازد و به ضریح امامش تعظیم و تکریم می‌کند. ضریح را می‌گیرد و گریه و زاری می‌کند. جالب است رافضی اهل کتاب را مشرک می‌خواند و خود از آنها بدتر است و برای خود کلاه شرعی می‌گذارد و کارهای خود را اسلامی و مناسب با آیات قرآن می‌داند. که ان‌شاءالله شرک بودن کارهایشان را در ادامه‌ی ثابت خواهیم کرد.

و خداوند چه درست درباره‌ی این جماعت فرموده است:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۶].

ترجمه: «و بیشترشان به الله ایمان نمی‌آورند و فقط مشرکند».

### شبهت شیعیان با یهودیان

اما در این قسمت شبهات‌های شیعه و یهود را که در کتاب منهج السنة النبویه اثر شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله علیه آمده است بازنویس می‌کنم. شاید شخصی اینها را نخوانده باشد و اکنون وقت مناسبی برای نقل آن است: یهودیان می‌گویند: فرمانروایی از آن آل داود می‌باشد و روافض می‌گویند: امامت از آن فرزندان علی است.

یهودیان می‌گویند: تا زمان خروج مسیح دجال و نزول شمشیر از آسمان، جهاد در راه خدا لازم نیست. و روافض می‌گویند: تا زمان خروج مهدی و آمدن ندا از آسمان جهاد در راه خدا لازم نیست.

یهودیان نماز را تا هنگام ظاهرشدن ستارگان به تعویق می‌اندازند. و روافض نماز مغرب را تا ظاهرشدن ستارگان به تأخیر می‌اندازند. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «امت من همچنان بر فطرت پاک اسلام باقی می‌مانند اگر نماز

مغرب را تا هنگام ظاهرشدن کامل ستارگان به تأخیر نیندازند»<sup>(۱)</sup>.  
 یهودیان اندکی از قبله‌شان متمایل می‌شوند، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان در نمازشان دست و پا تکان می‌دهند، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان لباسشان را در نماز پایین می‌اندازند، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان عده‌ای برای زنان قائل نیستند، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان تورات را تحریف کردند، روافض نیز می‌گویند قرآن تحریف شده  
 است.

یهودیان می‌گویند: خداوند پنجاه نماز را بر ما فرض کرده است، روافض  
 نیز چنین می‌گویند.

یهودیان مخلصانه به مؤمنان سلام نمی‌کنند، و بلکه می‌گویند: السام  
 علیکم و «سام» به معنی مرگ و نابودی است، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان ماهی زنا ب و مارماهی را نمی‌خورند، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان مسح بر خفین را جایز نمی‌دانند، روافض نیز چنین‌اند.  
 یهودیان اموال همه مردم را برای خود مباح می‌شمارند، روافض نیز  
 چنین‌اند

یهودیان با گذاشتن یک طرف سر بر روی زمین سجده می‌برند، روافض  
 نیز چنین‌اند.

یهودیان قبل از سجده، سرشان را مثل رکوع چندین مرتبه تکان  
 می‌دهند، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان با جبرئیل دشمنی می‌ورزند و می‌گویند: او دشمن ما از بین  
 ملائکه است، روافض نیز چنین‌اند و می‌گویند: جبرئیل با وحی بر محمد به  
 اشتباه رفت.

و این هم بنده اضافه کنم:

یهودیان می‌گویند فقط ما بر حق هستیم و بقیه همه در گمراهیند و خونشان مباح است و روافض نیز اینگونه‌اند.

### شبهت شیعیان با مسیحیان

اما از شبهات مسیحیان با روافض که همگان می‌دانند:

مسیحیان مهری برای زنان در نظر ندارند و فقط از آنها استفاده می‌کنند و شیعیان هم متعه را جائز می‌دانند.

مسیحیان مراسم راهپیمایی دارند که صلیب بزرگی در دست دارند و روافض در جلوی دسته‌های سینه‌زنی‌شان علم می‌گیرند «که شبیه صلیب است».

مسیحیان در کلیساهایشان آواز می‌خوانند و بالا و پایین می‌پرند. روافض نیز در هیئت‌ها هروله می‌کنند «بالا و پایین می‌پرند» و نوحه‌هایی به سبک غنا می‌خوانند.

مسیحیان برای بزرگان‌شان مقبره می‌سازند و روافض نیز اینگونه‌اند.

مسیحیان از مجسمه‌ی مریم عَلَيْهَا تبرک می‌گیرند و آن را می‌بوسند و روافض نیز علم، چوب دستی نگهبانان مقبره‌ها، ضریح و قبور و ... را می‌بوسند و از همه چیز تبرک می‌جویند.

مسیحیان آب بعضی نهرها را مقدس و پاک‌کننده می‌دانند و آنرا برای شفای امراضشان استفاده می‌کنند و روافض نیز از خاک کربلا برای شفا استفاده می‌کنند.

مسیحیان مراسم زنجیر زنی دارند و روافض نیز در عزای حسین علیه السلام زنجیر می‌زنند.

جالب این است که بسیاری از روافض ادعا می‌کنند که مسیحیان در محرم همچون آنها عمل می‌کنند و در عزای حضرت امام حسین علیه السلام شرکت می‌کنند، و این اعترافی از آنهاست ...

## توسل شرک است

احيانا اگر سه شنبه شبها به مساجد شیعیان بروید دعای توسل می خوانند و به گمان خود توشه‌ی آخرت را برای خود فراهم می سازند تا به بهشت بروند. شیعیان با اینکه امامانشان را مستقیماً مورد خطاب قرار می دهند و خواسته‌هایشان را از آنها طلب می کنند اما به دروغ می گویند که ما ائمه را برای تقرب به خداوند می خوانیم و از آنها به عنوان وسیله و رابط استفاده می کنیم. این حرف احمقانه اینها در این حال است که الله تعالی می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶]

«و چون بندگانم از تو درباره‌ی من می پرسند، (بدانند که) من نزدیکم و درخواست دعاکننده را بدانگاه که مرا می خواند، اجابت می کنم. پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا هدایت یابند».

و خداوند از کسانی که از او طلب نمی کنند ناخشنود می باشد:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَن عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم. بی شک آنان که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی خوار و سرافکنده وارد دوزخ خواهند شد».

و با این حال روافض از امامانشان درخواست کمک می‌کنند با اینکه الله تعالی می‌گوید از من درخواست کنید.

حال به خود مسئله‌ی توسل می‌پردازیم. آیا می‌شود بندگان الله به غیر او متوسل شوند و به خدا نزدیک شوند. خداوند به زبان ساده جواب این ابلهان را می‌دهد:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

ترجمه: «هان! دین و عبادت خالص (و تهی از شرک) از آن الله است. و آنان که دوستانی جز او برگزیده‌اند، (می‌گویند:) ما آنان را عبادت و پرستش نمی‌کنیم مگر برای آنکه (واسطه‌ی ما باشند و) ما را به الله نزدیک کنند. بی‌گمان الله در میان آنان پیرامون مواردی که با هم اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. بی‌شک الله، کسی را که دروغگو و ناسپاس باشد، هدایت نمی‌بخشد».

و خداوند متعال در سوره‌ی یونس آیه ۱۸ می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸].

«و جز الله چیزهایی را می‌پرستند که نه زبانی به آنان می‌رسانند و نه سودی؛ و می‌گویند: «اینها شفیعان ما نزد الله هستند». بگو: آیا به گمان خود الله را (از وجود شفیعانی) آگاه می‌سازید که او در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟! الله از شرکی که به او می‌ورزند، پاک و برتر است».

و به راستی هیچ کس علم به آسمان‌ها و زمین ندارد حتی رسول الله ﷺ

که به ایشان وحی می‌شده است. و این امر خداوند است به پیامبر که بگوید علم غیب (آسمان‌ها و زمین) را ندارد:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ  
الْغَيْبِ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۸].

«بگو: من برای خودم مالک هیچ نفع و ضرری نیستم، مگر آنچه الله بخواهد. و اگر غیب می‌دانستم، سود بسیاری برای خودم فراهم می‌ساختم و هیچ زبانی به من نمی‌رسید. من برای مؤمنان تنها هشداردهنده و مژده رسانم.»

و خود خداوند متعال در سوره‌ی نحل آیه ۷۷ می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ  
هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [النحل: ۷۷].

«آگاهی از غیب آسمان‌ها و زمین ویژه‌ی الله است. و برپا کردن قیامت (برای پروردگار) تنها به اندازه‌ی چشم به هم زدن یا کم‌تر از آنست. بی‌گمان الله بر همه چیز تواناست.»

پس شفیع قرار دادن غیر خدا «من دون الله» چنانچه در سوره‌ی یونس آیه ۱۸ آمده است همانند شریک شدن ایشان با خداوند متعال است. و خیلی خنده‌دار است که اینها علم به آسمان‌ها و زمین هم ندارند و مشرکین می‌خواهند آنها را عالم به غیب نشان دهند. چنانچه شیعیان ائمه‌ی‌شان را عالم به غیب می‌خوانند و می‌گویند که می‌دانستند کی می‌مردند و در آینده چه اتفاقی می‌افتد؟ و ما کذب آنها را ثابت نمودیم.

و باز بسیار خنده‌دار تر است که این جاهلان با اینکه خداوند متعال می‌گوید:

﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰] «مرا بخوانید تا دعایتان را استجاب



کنم»، باز سراغ بت‌های خود می‌روند و از آنها طلب کمک می‌کنند.

آیا خداوند نیاز به رابط دارد در حالی که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ [البقرة: ۱۸۶] «و چون بندگانم از تو درباره‌ی من می‌پرسند، (بدانند که) من نزدیکم».

و شیعیان می‌گویند: دعا کردن در حق همدیگر جائز است. و ما از ائمه می‌خواهیم در حقیقت دعا کنند و این کلامی کذب است؛ زیرا شیعیان خواسته‌هایی که فقط خداوند می‌تواند آنها را اجابت کند از ائمه‌ی‌شان می‌خواهند ولی ما به این بحث هم می‌پردازیم که آیا ائمه‌ی شیعیان که زیر خاکند اصلاً صدای اینها را می‌شنوند که دعاهایشان را اجابت کنند، و اگر بشنوند چه فرقی به حالشان دارد؟

### مردگان نمی‌شنوند

در آیاتی متعددی از قرآن می‌خوانیم که مردگان نمیشنوند. و پس از اثبات این موضوع خواهیم دید که اگر بشنوند هم کاری از دستشان بر نمی‌آید. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]. «و تو نمی‌توانی سخنی را به گوش مرده‌ها برسانی».

و در قبل این عبارت در همین آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ﴾ [فاطر: ۲۲]. یعنی: «مردگان و زندگان یکسان نیستند».

این آیه خطاب به پیامبر ﷺ است. ولی ای شیعیان این خطاب به شما نیز می‌باشد که اگر خود را به زنجیر ببندید و خود را بکشید و از سقف آویزان شوید والله که نمیتوانید مردگان را شنوا بگردانید و این کلامی خنده‌دار می‌باشد.

خداوند متعال در جای دیگری می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الضُّمَّةَ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ ﴿۸۰﴾  
[النمل: ۸۰].

«بی‌گمان تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نیز نمی‌توانی دعوت و فراخوان خویش را به گوش کران و ناشنویان (حقیقی) برسانی؛ آن‌گاه که پشت می‌کنند و روی برمی‌تابند».

و مرگ حق است و همگی می‌میرند حتی رسول الله ﷺ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ ﴿۳۰﴾ [الزمر: ۳۰].

«(ای پیامبر!) به راستی تو هم می‌میری و همه آنها هم می‌میرند».

و در موضع دیگری می‌فرماید:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿۲۶﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿۲۷﴾﴾  
[الرحمن: ۲۶-۲۷].

«همه‌ی کسانی که روی زمین هستند، فناپذیرند. و ذات پروردگارت، صاحب شکوه و بخشش، باقی می‌ماند».

شما آنها را برای چه می‌خوانید وقتی حس و شعوری ندارند و هیچ کاری نمی‌توانند بکنند؟

و در حالی که پروردگار بزرگ می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿۲۰﴾﴾  
﴿أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ ﴿۲۱﴾ [النحل: ۲۰-۲۱].

«و کسانی که مشرکان به جای الله می‌خوانند، چیزی نمی‌آفرینند و خودشان آفریده و مخلوق پروردگارند. مرده‌اند، نه زنده؛ و نمی‌دانند چه زمانی برانگیخته می‌شوند».

پس ثابت کردیم همگی می‌میرند و مردگان نمیشنوند اما فرض بر این می‌گیریم که مردگان می‌شنوند آیا می‌توانند برای ما کاری کنند. و چنانچه خود شما می‌گویید مردگان دستشان از دنیا کوتاه است و حتی نمی‌توانند اگر کسی به آنها فحاشی کند یا تهمت‌ی زند از خودشان دفاع کنند، و خداوند نیز در این باره می‌فرماید:

﴿إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ [فاطر: ۱۴].

ترجمه: «اگر آنان را بخوانید، دعا و خواسته‌ی شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند، پاسختان را نمی‌دهند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و هیچ‌کس مانند پروردگار دانا، تو را (از حقایق و فرجام امور) باخبر نمی‌سازد.» و باز بایست تاکید شود که مردگان نمی‌شنوند:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۵].

«و هیچ‌کس گمراه‌تر از کسی نیست که کسانی جز الله را به‌فریاد می‌خواند که تا روز قیامت نیز درخواستش را پاسخ نمی‌گویند و آنان (معبودان باطل) از دعا و درخواست ایشان بی‌خبرند.»

و باز شیعیان می‌گویند که خداوند در سوره‌ی آل عمران آیه: ۱۶۹ فرموده شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند که انشاء الله این آیه را هم بررسی می‌کنیم.

### آیا شهیدان زنده‌اند؟

اما شیعیان بنا بر آنچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۹].

**ترجمه:** «هرگز کسانی را که در راه الله کشته شدند، مرده مپندار؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌یابند».

**می‌گویند:** شهیدان زنده‌اند و صدای ما را می‌شنوند و حاجات ما را برآورده می‌کنند. و باید در جواب آنها گفت: اگر آنگونه که در دنیا زنده‌اند الآن هم زنده‌اند پس نمی‌توانند هیچ کنند؛ زیرا موقع زنده بودنشان چه کردند که الآن کنند. و اگر می‌گویید از همه چی با خبر بودند بهتر است به بخش توسل شرک است رجوع کنید و ببینید هیچ کس به غیر الله تعالی از غیب خبر ندارد و خبر دار بودن انسان‌ها از مرگ و زندگی و ... دروغی بیش نیست.

اما این هم جوابی کامل نیست. خداوند می‌فرماید شهیدان زنده‌اند ولی نزد کی و کجا؟ آیا نزد مردم؟ یا نزد خداوند متعال؟ بله آنها «عند ربهم: نزد پروردگارشان» زنده‌اند و روزی می‌گیرند. حال عند ربهم کجاست؟  
خداوند می‌فرماید:

﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأَنْعَام: ۱۲۷].

«برای آنان نزد پروردگارشان، سرای سلامتی - بهشت - فراهم شده و به سبب اعمالی که انجام می‌دادند، الله یاور و کارسازشان است».

پس حتی فرض را بر این بگیریم که صدای ما را می‌شنوند آیا مکان و مرتبه ای که نزد خدا دارند و از نعمات خداوند که الله تعالی نصیبشان کرده می‌گذرند و به کمک ندا دهندگانشان می‌شتابند؟.

پس کمی تأمل کنید تا حقیقت را دریابید و به افسانه‌ها گوش ندهید.

## رفتار اهل بیت با روافض چگونه است؟

شیعیان با کارهای مشرکانه و توسلشان به اهل بیت انتظار شفاعت از ایشان را دارند و توقع دارند در روز محشر با اهل بیت رسول الله محشور شوند. ولی آیا اینگونه است؟.

آیا حتی امامانشان جواب سلام آنها را می دهند؟ آیا از آنها دفاع می کنند؟ یا اینکه روافض را رد می کنند و آنها را مشرک می خوانند؟.

﴿وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءَ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾﴾  
[الأحقاف: ٦].

«و هنگامی که مردم برانگیخته می شوند، معبودان باطل، دشمن ایشان خواهند بود و منکر عبادت اینها خواهند گشت»  
و در جای دیگر می فرماید:

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُتِبَ لَهُمْ مِنْ دُونِكُمْ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٨٦﴾﴾ [النحل: ٨٦].

«و مشرکان با دیدن معبودانشان که شریک پروردگار می ساختند، می گویند: پروردگارا! اینها معبودان ما هستند که آنها را به جای تو می خواندیم. آن گاه معبودانشان به آنان می گویند: شما دروغ گوئید».

پس هم اکنون می بینید که نه تنها ایشان از مشرکان شفاعت نمی کنند بلکه با ایشان دشمنی نیز می کنند و موقعی این امر را می فهمند که دیر است:

﴿وَإِذَا رَءَا الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ ﴿٨٥﴾ [النحل: ٨٥].

ترجمه: «و هنگامی که ستمگران عذاب الهی را ببینند، از عذابشان کاسته نمی شود و هیچ مهلتی نمی یابند».

و خداوند لعنت کند کسانی که شرک مشرکان را زیاد می کنند و مانع آن می شوند که اندیشه کنند و بفهمند. و خدا درباره ی اینان می فرماید:

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾ ﴿٨٨﴾ [النحل: ٨٨].

«کسانی که کفر ورزیدند و از راه الله بازداشتند، به سزای فسادشان عذابی بر عذابشان می افزاییم».

و خداوند همگان را مورد هدایت قرار دهد.

### اصحاب رسول الله ﷺ

شیخ الاسلام ابن تیمیه چه زیبا در وصف روافض نوشت:

«از یهود پرسیده شد: از امت شما چه کسانی بهترین اند؟ جواب دادند: اصحاب موسی. و از مسیحیان پرسیده شد: از امت شما چه کسانی بهترین اند؟ جواب دادند: حواریون عیسی. و از روافض پرسیده شد: از امت شما چه کسانی بدترین اند؟ جواب دادند: اصحاب محمد»<sup>(۱)</sup>.

براستی کسی که دم از حب کسی می زند آیا یاران و دوستان او را به دشمنی می گیرد؟ آیا این کاری عقلانی است که کسی رسول الله ﷺ را به دوستی و یارانش را به دشمنی بگیرد!.

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ  
بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

ترجمه: «الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خشنودند و الله، برایشان باغ‌هایی آماده کرده که از فرودستش جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند. این است رستگاری بزرگ».

روافض کی می‌خواهند بدانند که فتنه‌ی رفض صحابه رضی الله عنهم و این عقاید پلیدشان همه و همه از زمان ظهور ابن سبأ یهودی برای تخریب عقاید اسلامی و تفرقه بین مسلمین بوجود آمد. آیا کسانی که به گفته‌ی راویان شیعی به گفته‌ی جعفر بن محمد رضی الله عنه مرتد شدند شایسته‌ی این لطف الهی هستند که خداوند متعال در وصف آنها آن چنان فرموده است؟

این چه مذهبی است که که محمد توسیرکانی در لآلی الأخبار می‌نویسد: «بدان بهترین جا و زمان و حالت برای لعنت فرستادن به آنها زمانی است که در دستشویی باشی!!! پس هر بار به دستشویی می‌روی با خیال راحت چند بار بگو: بار خدایا عمر را لعنت کن سپس ابوبکر و عمر سپس عثمان و عمر سپس معاویه و عمر ... بار خدایا عایشه و حفصه و هند و ام حکم را لعنت کن و کسانی را لعنت کن که به کارهای آنان راضی هستند (یعنی اهل سنت)»<sup>(۱)</sup>.

با اصحاب رسول الله کاری نداریم ... آیا این مذهب است که می‌گوید خدا را در دستشویی یاد کن و به فلان و فلان و فلان فحاشی کن یا ضد مذهب.

اما اگر دقت کنید روافض بیش از همه عمر فاروق رضی الله عنه را مورد لعن خویش قرار می‌دهند و استدلال‌شان این است که حضرت عمر رضی الله عنه سیدتنا

فاطمه علیها السلام را مورد مظلومیت قرار داده و موجب مرگ ایشان شده، و افسانه‌ی شهادت فاطمه علیها السلام را ساخته‌اند و این دروغ و کذبی بیش نیست، که آن را بررسی خواهیم نمود.

### افسانه‌ی مظلومیت فاطمه علیها السلام

چنانچه گفتیم روافض عمر فاروق رضی الله عنه را از همه صحابه بیشتر مورد عداوت و دشمنی قرار می‌دهند با این تصور که عمر بن الخطاب رضی الله عنه به سیدتنا فاطمه ظلم نموده. اما احادیث روافض را در باره‌ی این امر بررسی خواهیم نمود (بنا به حجم زیاد احادیث به رد آنها بسنده می‌کنیم):

در روایات آشفته‌گی کامل را می‌بینیم چنانچه در جایی می‌گوید عمر فاروق خانه‌ی فاطمه علیها السلام را به آتش نکشید بلکه به قصد ترساندن گفت: آتش میزنم (بحار الانوار ۲۴۱/۲۸)، و در روایاتی نیز به عکس آنرا می‌بینیم که عمر رضی الله عنه درب خانه‌ی علی رضی الله عنه را به آتش می‌کشد (انوار العلویة ۲۸۶)، و جایی می‌بینیم که قنفذ فاطمه علیها السلام را شلاق زد و به در و دیوار کوبید و ... (الأنوار العلویة ۲۸۷)، و در جایی هم می‌بینیم که قنفذ فقط با غلاف شمشیر خود ضربه‌ای به فاطمه وارد کرده و موجب سقط فرزند او محسن شده (دلایل الامامة ۱۴۵)، و ... که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ  
اٰخْتِلَافًا كَثِيْرًا﴾ [النساء: ۸۲].

«آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

مسئله‌ی دوم این است که چرا علی رضی الله عنه غیرتی از خود نشان نداد و حرکتی نکرد بلکه گذاشت فاطمه را کتک بزنند و خود کاری نکرد. شاید



روافض بگویند: در روایت‌ها آمده است: علی بن ابی طالب از جایش جهید و یقه‌ی عمر را گرفت و او را به شدت تکان داد و به زمین انداخت و ضربه‌ای به بینی و گردنش زد و تصمیم گرفت او را بکشد، ولی فرموده‌ی رسول الله ﷺ را بیاد آورد که او را به صبر و اطاعت وصیت نموده بود (بحار الانوار: ۲۸/۲۹۹) در پاسخ می‌گوییم: این خود، بر اضطراب و آشفتگی روایات می‌افزاید؛ زیرا در بیشتر روایات چنین چیزی نیامده است، و این روایت با عقیده‌ی شیعیان در مورد عصمت ائمه که حتی آنان را از نسیان و فراموشی معصوم می‌پندارند، در تعارض قرار دارد.

شاید بگوییم: علی از آن جهت از پاره‌ی تن رسول الله ﷺ دفاع نکرد که پیغمبر این موضوع را به او خبر داده و وصیتش کرده بود که به خاطر مصلحت اسلام و مسلمانان صبر و شکیبایی نماید.

می‌گوییم: از کدامین مصلحت اسلام سخن می‌گوییم، حال آن که بزرگ‌ترین علمای مذهب تصریح کرده‌اند که مردم پس از وفات رسول الله ﷺ از دین برگشتند (مرتد شدند) و تنها تعداد اندکی که شمارشان از تعداد انگشتان دو دست نمی‌گذرد، بر دین اسلام ثابت‌قدم ماندند؟ پس در سکوت در برابر مرتدین چه مصلحتی برای اسلام وجود داشت که آنان را به حالشان رها کنند تا هر فسادی که در زمین می‌خواهند، به راه بیندازند؟

نکته‌ی دیگری که درخور توجه است، این که معمولاً انسان بهترین اسم‌ها را برای فرزندان‌ش انتخاب می‌کند، اسم‌هایی که دوست دارد و مورد پسند اوست، شیعه و سنی قبول دارند که علی، به نام ابوبکر، عمر و عثمان را بر فرزندان‌ش گذاشته و پس از او فرزندان‌ش نیز همین رویه را دنبال کرده‌اند<sup>(۱)</sup>.

۱- الإرشاد (۱۶۷) (۲۴۸)، المناقب (۴ / ۱۰۷ - ۱۱۲)، مقاتل الطالبيين (۹۱)، الأمالی، صدوق (۱۲۱)، إعلام الوری (۲۰۳) بحار الأنوار (۴۲ / ۷۴، ۹۰، ۹۲) (۴۵ / ۳۶، ۶۳)

واقعیتی که اصلاً جای انکارش نیست، این افسانه‌ی دروغین را رد می‌کند، چگونه است که علی، ام کلثوم دختر فاطمه را به ازدواج عمر در می‌آورد، حال آن که به گمان و پندار شیعیان، عمر، همان کسی است که مادر ام کلثوم را زده، پهلویش را شکسته و باعث مرگش بوده است؟ بلکه به گمان شیعیان، عمر کافر بوده است؟!.

تو را به خدا سوگند، آیا دختری را به کسی می‌دهی که با مادر دختری چنین رفتاری کرده باشد؟ پس چگونه امکان دارد کسی چون علی که از تو بهتر و با تقواتر است، چنین کند؟ آیا علی بدینگونه پاداش همسرش فاطمه را می‌دهد که دختر فاطمه را به ازدواج سرسخت‌ترین دشمن وی درمی‌آورد؟ آیا علی دخترش را به یک کافر می‌دهد؟ حال آن که پروردگار

---

(۴۴ / ۳۱۳)، الاختصاص ۸۲ المعجم، خوئی (۲۱ / ۶۶) (۲۲ / ۷)، الأنوار النعمانية (۳ / ۲۶۳)، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید شیعه‌ی معتزلی (۹ / ۲۴۲)، رجال ترکوا بصمات علی قسمت‌التاریخ، قزوینی (۱۷۲، ۱۷۷)، الفصول المهمة، ابن الصباغ (۱ / ۶۴۵) (۲ / ۴۸۸)، الأنوار العلویة، جعفر نقدی (۴۳۴، ۴۴۸)، أنصار الحسین، مهدی شمس‌الدین (۱۳۶)، معالم المدرستین، عسکری (۳ / ۱۲۷)، مناقب الإمام أميرالمؤمنین عليه السلام کوفی (۲ / ۴۸)، تاریخ الأئمة، بغدادی (۱۷) شرح الأخبار، قاضی نعمان (۳ / ۱۷۸)؛ تاج الموالید طبرسی (۱۹) المستجد من الإرشاد، حلی (۱۳۹) العوالم عبدالله بحرانی (۲۸۰) لواعج الأشجان، محسن امین (۱۷۷)، مستدرک سفینه البحار، شاهرودی (۳۸۶/۷)، الرجال، طوسی (۱۰۶) رجال ابن داود (۲۱۵)، نقد الرجال، تفرشی (۵ / ۱۲۷)، مستدرکات علم الرجال، شاهرودی (۸ / ۳۴۳) المفید من معجم رجال الحدیث، جواهری (۳۶۵، ۶۸۶)، قاموس الرجال، تستری (۱۱ / ۲۳۶)، تاریخ یعقوبی (۲ / ۲۱۳)، أعیان الشیعة، مسحن امین (۱ / ۳۲۷، ۶۰۸) (۲ / ۳۰۲)، الدر النظیم، عاملی (۴۳۰)، كشف الغمة (۲ / ۶۷) موسوعة شهداء المعصومین (۱ / ۲۶۷) (۲ / ۲۷۱، ۲۵۲) شرح إحقاق الحق (۲۲ / ۶۷۵، ۷۸۲، ۶۸۴، ۳۳ / ۶۷۶) مجله‌ی تراثنا (۲ / ۱۴۹).

متعال فرموده است:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ﴾ [البقرة: ۲۲۱].

«و با زنان مشرک ازدواج مکنید تا ایمان بیاورند».

در صورتی که تمام این دروغ‌ها را بپذیریم و باور کنیم که واقعاً چنین بلاهایی بر سر علی و فاطمه آمده و از آن دو کاری ساخته نبوده، باز هم این سؤال مطرح است که آیا در مدینه مردمانی نبودند که نسبت به آبروی پیامبرشان که حکم پاره‌ی تن آن بزرگوار را داشت، غیرت ورزند و آیا مدینه، تهی از کسانی بود که نسبت به اهل بیت پیامبر عليه السلام تعصب و غیرت داشته باشند؟ -والله اعلم-.

### امهات المومنین رضی الله عنهن

باز هم به همان گفته‌ی کذابی از کتاب لآلی الاخبار می‌نگریم:

«بدان بهترین جا و زمان و حالت برای لعنت فرستادن به آنها زمانی است که در دستشویی باشی!!! پس هربار به دستشویی می‌روی با خیال راحت چند بار بگو: بار خدایا عمر را لعنت کن سپس ابوبکر و عمر سپس عثمان و عمر سپس معاویه و عمر ... بار خدایا عایشه و حفصه و هند و ام حکم را لعنت کن و کسانی را لعنت کن که به کارهای آنان راضی هستند (یعنی اهل سنت)».

ای شیعیان! ای کسانی که خود را محب رسول الله و آلش می‌دانید آیا محب کسی زنان او را لعن می‌کند؟ آیا زنان رسول الله رضی الله عنهن جزء اهل بیت رسول الله حساب نمی‌آیند. آیا شما از کسی که زنتان را مورد بغض و عداوت قرار می‌دهد راضی هستید؟.

ای شیعیان آیا شما کسانی را لعن می‌کنید که خداوند درباره‌ی آنها چنین فرموده است:

﴿التِّي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ [الأحزاب: ۶].

«پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسرانش، مادران مؤمنان هستند. و مطابق کتاب (و فرمان) الله، خویشاوندان نسبی در ارث بردن از یکدیگر، از سایر مؤمنان و مهاجران سزاوارترند، مگر آنکه (از طریق وصیت یا احسان) به دوستانان نیکی کنید. این حکم، در لوح محفوظ نگاشته شده است.»

آیا شما ام المومنین عایشه رضی الله عنها یاور همیشگی پیامبر و کسی که پیامبر این چنین درباره اش می فرماید:

«فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ». یعنی: «فضل عایشه بر سایر زنان مثل برتری اشکنه بر سایر طعامها است»<sup>(۱)</sup>.

و کسی که رسول الله بسیار او را دوست می داشت لعن می کنید؟  
روافض با ادعای بر:

﴿وَإِذْ أَسْرَ التِّي إِلَىٰ بَعْضِ أَرْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْحَبِيرُ﴾ [التحریم: ۳].

«و هنگامی که پیامبر، رازی را به یکی از همسرانش گفت و او، آن راز را (نزد یکی دیگر از همسران پیامبر) فاش کرد. و الله، پیامبر را از آن آگاه ساخت؛ (پیامبر) بخشی از آن را برای او بازگو کرد و از (بازگو کردن) بخش

دیگرش خودداری نمود و چون پیامبر، آن زن را از این موضوع باخبر ساخت، آن زن گفت: «چه کسی تو را از این موضوع باخبر ساخته است؟» (پیامبر) گفت: (پروردگار) دانا و آگاه به من خبر داده است.»

می‌گویند: ام المومنین عایشه و ام المومنین حفصه رضی الله عنهما راز پیامبر را فاش ساختند و گناه مرتکب شدند. باید گفت: کسی امهات المومنین را مانند شما که ائمه خیالیتان را معصوم می‌دانید معصوم نمی‌داند بلکه کسی از انجام گناه مبرّا نیست حتی صحابه و امهات المومنین، اما جای هیچ تردیدی نیست که اینان بهشتیانند و چنانچه خطایی هم کرده باشند خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾ [التحریم: ۴].

«اگر شما (دو همسر پیامبر) به سوی الله توبه کنید، پس به راستی دل‌هایتان به حق گرایش یافته است.»

پس خداوند توبه عایشه و حفصه رضی الله عنهما را پذیرفته است.

در بحث جنگ با علی رضی الله عنه هم باید گفت که ام المومنین عایشه و طلحه و زبیر رضی الله عنهم قصد قتال و جنگ را نداشتند و این افتراء به ایشان است و اگر چنین باشد به این آیه استناد می‌شود که خداوند تبارک و تعالی فرمود:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقْتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۹﴾  
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۰﴾﴾ [الحجرات: ۹-۱۰].

ترجمه: «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند، میانشان صلح برقرار کنید. و اگر یکی از این دو گروه، به گروه دیگر تجاوز نمود، با گروه

---

تجاوزگر بجنگید تا به حکم الله بازگردد. و اگر (به حکم الله) بازگشت، در میانشان به عدالت و انصاف، صلح برقرار کنید. و تقوای الله پیشه نمایید تا مشمول رحمت شوید».

این آیات آن مبارزه‌کنندگان را در عین حال که با هم می‌جنگند، برادران یکدیگر نامیده است. این آیه برای کسانی که در مرتبه‌ای پایین‌تر از آنها هم باشند، ثابت است، پس برای آنان به طریق اولی ثابت است.

## تاریخ فرقه‌ی رافضه و بعضی عقایدشان

از خوانندگان شیعه خواهش دارم کمی در این بخش تفکر نمایند. و به سوالات توجه کنند اگر با عقل منطبق بود بپذیرند و اگر نبود .... (ان شاء الله باعث هدایت شود).

این امر بر همه آشکار است که شیعه در زمان علی علیه السلام فقط یک موضوع سیاسی بوده. چنانچه شیعیان علی علویه و شیعیان معاویه علیه السلام عثمانیه نامیده می‌شدند و علویون می‌گفتند خلافت علی را بر خلافت عثمان رضی الله عنه برتر می‌دانستند و عقاید آنها با مسلمین فرق نداشت.

چنانچه در تاریخ طبری آمده است بعد از شهادت امیرالمومنین علی بن ابی طالب شخصی به نام عبدالله بن سبأ یهودی تظاهر به اسلام کرده و یارانش «سبئیه» با ایجاد فتنه و مبارزه با اسلام فضیلت‌هایی را بر علی قائل شدند که علی را از رسول الله صلی الله علیه و آله افضل می‌دانست «العیاذ بالله» و قرآن را تحریف شده می‌خواند، و به ام المومنین عایشه رضی الله عنها اهانت می‌کرد، و از کسانی که با این عقاید سبئیه مبارزه می‌کردند حسن بن علی رضی الله عنه بود.

اما از شیعه بودن و خیانت‌های کوفیان هم شکی نیست. و قطعاً قاتلان حسین بن علی در مرحله‌ی اول این کسانی بودند که خود را شیعه و طرفدار ایشان می‌دانستند. «اختلاف سیاسی بود».

## اما از سوالات:

- ۱- آیا قبول دارید مسئله‌ی تشیع مسئله‌ای سیاسی بوده است؟ و اگر جوابتان مثبت است پس چرا هم اکنون حتی نماز خواندن شیعیان با مسلمین فرق می‌کند؟
- ۲- اگر جوابتان منفی می‌باشد سوال این است چرا وقتی علی به حکومت رسید عقاید اصلی اسلام مانند اذان و نماز و ... را اجرا نکرد و همانند ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم عمل کرد؟ چرا نگفت اذان و نماز تحریف شده است و یا چرا متعه را جایز نکرد؟
- ۳- چنانچه در اول کتاب از شباهات رافضه با یهودیان و مسیحیان گفته شد سوال این است این عقاید چگونه وارد عقیده تشیع شده است؟
- عزاداری و نوحه‌سرایی آن هم به این صورت رایج در بین شیعیان نه در قرآن آمده است و نه در سنت رسول الله و نه ائمه شیعه به آن دعوت کرده‌اند. چنانچه باقر رضی الله عنه گفته:
- «سخت‌ترین بی‌تابی زدن به سر و سینه و نوحه سر دادن است که این کارها خارج از صبر و شکیبایی است و حرام است»<sup>(۱)</sup>.
- واینکه پیامبر به فاطمه رضی الله عنها فرمود:
- «وقتی من مردم بر من روی مخراش و مو پراکنده نکن و آه و واویلا و مجلس نوحه خوانی بر پا مکن».
- از ابو عبد الله روایت است، در تفسیر آیه‌ی: «ولا یعصینک فی معروف» می‌گفت: از معروف این است که گریبان چاک نکنند و به سر و صورت نزنند و دعا به هلاکت و نابودی ننمایند و بر سر قبر ننشینند<sup>(۲)</sup>.

۱- کافی: ۲۲۲/۳.

۲- نور الثقلین: ۳۰۸/۵، مستدرک الوسائل: ۱۴۴/۱ و بحار الأنوار ۷۷/۸۲.



و روایات دیگر از اهل بیت در کتب خود اهل تشیع ...

۴- با چه سندی از سنت یا قرآن این اعمال شرک‌آمیز و عزاداری‌ها را انجام می‌دهید؟.

در مزار المفید صفحه ۴۷ از جعفر بن محمد رحمته منقول است:

«هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند برایش ۸۰ حج مقبول می‌نویسد».

اما بر ضد این عمل و ساختن بارگاه بر قبرها روایاتی در کتب شیعه موجود است:

رسول الله نهی کرده از اینکه بر قبرها نماز خوانده شود، یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنایی بسازند<sup>(۱)</sup>.

روایت است رسول الله از اینکه در قبرها گچ بکار برده شود یا بنایی بر آن بسازند و یا بر آن بنشینند، نهی کرده است<sup>(۲)</sup>.

به همین دلیل می‌بینیم که ائمه‌ی شیعه این نهی را نقل کرده‌اند؛ از صادق روایت است که فرمود:

هفت چیز حرام است: رشوه خوردن در قضاوت، پولی که زن زنا کار در برابر عمل زشت دریافت می‌کند، پولی که جادوگر و کاهن در یافت می‌کند، پول فروش سگ و پولی که برای ساختن بناهایی که بر قبرها ساخته می‌شود<sup>(۳)</sup>.

به ابو الحسن موسی بن جعفر گفتم آیا ساختن بارگاه بر قبرها و نشستن بر قبور درست است؟.

گفت: درست نیست بر قبرها بنایی ساخته شود، و بر آنها بنشینند، و گچ

۱- وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲.

۲- مستدرک الوسائل: ۱۲۷/۱.

۳- وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲ و جامع أحادیث الشیعة: ۴۴۴/۳.

به کار ببرند و یا از گل استفاده کنند<sup>(۱)</sup>.

۵- برای چه با وجود اینکه ائمه‌تان شما را از ساختن بنا بر روی قبرها نهی کرده‌اند این عمل را انجام می‌دهید؟

۶- این همه اختلاف در روایات شما چیست؟ این همه اختلاف در عمل و روایات شما چیست؟ چرا درجایی نهی و در جای امر به کاری می‌کنید؟

۷- ساختن بارگاه و اکثر شرکيات صوفيه در عقايد شما هم هست. حال چرا شما صوفيه را منکر می‌شوید و می‌گویید ائمه‌تان آنها را تکفیر کرده‌اند؟

روافض زنا را حلال دانستند و اسمش را به متعه تغییر دادند. و برای خود کلاه شرعی درست کردند. و این چه مذهبی است که ازدواج با زنان شوهردار را حلال خوانده است؟ (من لا یحضره الفقیه ۱۴۹/۲ - التهذیب ۱۸۷/۲)

۸- دین اسلام که این همه به استحکام خانواده اهمیت داده است آیا اجازه چنین کار حرامی که اسمش فقط تغییر کرده را می‌دهد؟

۹- آیا همبستر شدن با زنان شوهردار بغیر از مذهب مارکس در مذهب دیگری جزء مذهب رافضه حلال است؟

و اما سوال آخر:

۱۰- آیا مذهبی که روافض دارند (با توجه به توضیحات داده شده) را می‌توان جزء فرق اسلامی دانست؟

۱- کافی: ۲۲۸/۳، من لا یحضره الفقیه: ۱۱۴/۱ و وسائل الشیعة: ۸۸۷/۲.

## کلام آخر

امید است این کتاب توشه‌ای برای آخرت بنده باشد و باعث هدایت شیعیان شود. اگر چه می‌دانم این کتابچه در مقابل آنچه هدایت یافتگان دیگر مکتوب کرده‌اند هیچ است. ولی امید آن دارم گامی باشد برای جستجوی حقیقت برای شیعیان ... به امید یکپارچه شدن امت رسول الله ﷺ.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»